متن سخنرانی جناب آقای علی اصغر سلطانیه سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در

در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

مارس ۲۰۱۰

بنام خداوند بخشنده مهربان

آقای رییس

در آغاز احساس وظیفه می‌کنم که مراتب تسلیت و همدردی نسبت به مردم و دولت هاییتی و شیلی به‌خاطر واقعه دردناک ناشی از زمین لرزه‌های اخیر را ابراز کنم.

آقای رییس،

مایلم بازگشت مجدد شما به وین را خوش‌آمد گفته و تصدی ریاست شورای حکام را به شما تبریک می‌گویم. اطمینان کامل دارم که شما کار شورای حکام را به بهترین نحو و غیرجانبدارانه هدایت خواهید کرد. احساس وظیفه می‌کنم که مراتب تقدیر خود را نسبت به رییس قبلی شورای حکام، جناب آقای سفیر ارشاد از مالزی که عملکردی صادقانه و مبتنی بر اصول داشت، ابراز کنم.

آقای رییس،

مایلم مراتب تقدیر صمیمانه کشورم را از حمایت بخش غالب کشورهای عضو آژانس و هم‌چنین از حمایت جنبش غیرمتعهدها همان‌گونه که در بیانیه‌ای که از سوی سفیر محترم مصر به‌عنوان رییس گروه غیرمتعهدها ایراد شد، ابراز کنم.

۱ ـ نقطه نظرات و ملاحظات کلی

آقای رییس،

بار دیگر پس از ۶ سال اجرای پادمان در کشور متبوع من در دستور کار شورای حکام قرار گرفته است.

بررسی دقیق و کامل تحولات اخیر نشان می‌دهد که علت ریشه‌یی این وضعیت دستور کار پنهان معدودی از کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا برای منحرف کردن آژانس از وظایف اساسنامه‌یی‌اش به‌عنوان یک سازمان فنی بین‌المللی به‌منظور پیشبرد استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌یی تاسیس شد، به منحصرا یک سازمان راستی‌آزمایی است. آن‌ها هم‌چنین تلاش کرده‌اند با استفاده ابزاری از شورای امنیت سازمان ملل متحد استقلال آژانس را خدشه‌دار کنند. به‌طور خلاصه برای تغییر دادن هویت معتبر آن به یک نهاد پاسبان، به‌منظور نظارت و مراقبت وین از نیویورک.

برنامه هسته‌یی صلح‌آمیز ایران صرفا بهانه‌ای برای اجرای این نیات مغرضانه و یک رشته اقدامات خطرناک است. امروز ایران، فردا یک کشور در حال توسعه دیگر. آن‌ها پیش‌تر تقابل با سوریه را به بهانه‌های دروغین و به‌دنبال تجاوز نظامی رژیم اسراییل آغاز کرده‌اند. دبیرخانه در معرض فشار بسیار زیاد و مداخله ممتد از سوی این معدود کشورها قرار داشته و دارد. دولت متبوع من امیدوار است که مدیرکل جدید همان‌گونه که طی فرآیند انتخابات و پس از تصدی سمت مدیرکل تاکید کرده است، در مقابل این گونه فشارها ایستادگی کرده و بی‌طرفی آژانس را حفظ کند.

این‌ها علائم نگران کننده و هشدار دهنده‌ای که مستلزم بسیج اقدامات فوری توسط غالب کشورهای عضو هستند به‌ویژه از سوی کشورهای درحال توسعه برای مقابله با دیدگاه و رفتار معدودی کشورهای غربی که به اعتبار، سلامت و استقلال آژانس لطمه وارد کرده است.

۲ ـ نقطه نظرات خاص در مورد گزارش مدیرکل

آقای رییس، حضار محترم،

یک ارزیابی همه‌جانبه از گزارش اخیر مدیرکل برای انتشار در قالب سندINFCIRC و آگاهی همگان به دبیرخانه ارائه شده است. در عین حال با پوزش از شما می‌خواهم اندکی تحمل کرده تا من به‌طور خلاصه اولین گزارش مدیرکل جدید را ارزیابی کنم.

یک سوال ساده: آیا ما شاهد تغییری ناگهانی نسبت به گزارش‌های قبلی هستیم؟

پاسخ آری است.

چرا؟

(۱) گزارش (Gov/10/2010) همان‌گونه که مدیرکل در بیانیه افتتاحیه خود تایید کرد مشتمل به پیشینه تاریخی است. بخش پادمان آژانس ادعا کرد قصد داشت که اذهان دوستان قدیمی را تازه کرده و کار مدیرکل و هم‌چنین سفیران جدید را تسهیل کند. این گزارش موضوعاتی را که پیش از این بسته شده بودند مجددا گشوده است، اقدامات الزام‌آور حقوقی را با اقدامات داوطلبانه به هم آمیخته و وظایف ناشی از پادمان جامع NPT را با اقدامات داوطلبانه توصیه شده به‌موجب پروتکل الحاقی و حتی ورای آن خلط کرده است. نکته آخر ولی نه چندان کم اهمیت، این گزارش ادعاهای آن دسته از معدود کشورهای غربی را که من در بخش نقطه نظرات کلی به آن‌ها اشاره داشتم، را برجسته کرده و با درگیر کردن آژانس در فعالیت‌هایی ورای چارچوب اساسنامه آن، یعنی فعالیت‌های نظامی متعارف و مداخله در امنیت ملی کشورها، روند خطرناکی را آغاز کرده است. این گزارش متوازن و مبتنی بر واقعیت‌ها نبوده زیرا به نحو مناسب همکاری‌ها، مکاتبات و

توضیحات جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به سوالات یا نامه‌های آژانس را منعکس نمی‌کند. در بخش‌های متعددی از گزارش اطلاعاتی مغایر با مفاد پاراگراف ۲۶ قطعنامه نشست ۵۲ کنفرانس عمومی آژانس (GC (52) /RES 13) آمده است، که بیان می‌کند : «از مدیرکل و دبیرخانه درخواست می‌شود که به ارائه گزارش‌های عینی، فنی و مبتنی بر واقعیات درباره اجرای پادمان با استناد مناسب به مفاد مربوطه موافقت‌نامه‌های پادمان به شورای حکام و کنفرانس عمومی ادامه دهد.»

موارد زیر نمونه‌هایی برای تایید این سخن هستند:

۱) تنها مطلب جدید نسبت به آخرین گزارش مدیر کل قبلی، فعالیت موفقیت‌آمیز غنی‌سازی تا حد ۲۰ درصد به منظور تولید سوخت مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی تهران پس از این که ایران از پاسخگویی مسوولانه از سوی برخی عرضه‌کنندگان بالقوه و توانایی آژانس برای تامین تقاضای مشروع خود نا امید شد، است. اما متن طولانی پیشینه تاریخی و تکرار موضوعات منسوخ شده مانند مطالعات ادعایی، که اصطلاحاً لپ‌تاب آمریکایی نامیده شده‌است، با جزییات موجب سردرگمی عموم شده و گویی که یک رخداد جدید با ابعاد نظامی به‌وقوع پیوسته است.

۲) متعاقب مکاتبه رسمی به تاریخ ۷ فوریه ۲۰۱۰، که طی آن ایران به‌طور رسمی به آژانس اطلاع داد که تصمیم گرفته است غنی‌سازی تا حد ۲۰ درصد را شروع کند، ایران تا زمانی که آژانس به‌طور رسمی دریافت نامه را تایید کرد و در همان روز اطلاع داد که به بازرسان دستور داده شده که در ۹ فوریه در نطنز حاضر باشند فعالیت را شروع نکرد. مدیر بخش عملیاتی B پادمان آژانس در نامه مورخ ۸ فوریه ۲۰۱۰ اطلاع داد «من به نامه مورخ ۸ فوریه ۲۰۱۰ (Ref. M/5009/315/137) جنابعالی ارجاع می‌دهم و مایل هستم

تا به شما اطلاع دهم که بازرسان ما دستور دارند که در ۹ فوریه در کارخانه غنی‌سازی نطنز باشند تا مهرو موم سیلندر B۳۰ حاویLEU را بردارند و ضمن ادامه اطلاع‌یابی در خلال دسته‌بندی کردن به یک سیلندر B۵ و مهروموم کردن هر دو سیلندر B۵ و B۳۰ پس از راستی‌آزمایی اقدام کنند. »

می‌بایستی یادآوری کنم که سانتریفیوژهای مورد استفاده برای این منظور از قبل تحت پادمان جامع آژانس از جمله نظارت ۲۴ ساعته دوربین‌های آژانس و بازرسی‌های عادی بوده‌اند. به هر حال ایران تصمیم گرفت تا قبل از هر اقدامی به آژانس اطلاع دهد و هم‌چنین از بازرسان دعوت کند تا به هنگام آغاز فعالیت جدید ۲۰ درصد در محل حضور داشته باشند.

۳) این واقعیت که همه مواد هسته‌یی اعلام شده حسابرسی شده‌اند و هم‌چنان تحت نظارت پادمان جامع آژانس قرار دارند منعکس نشده است و یک عنصر مفقود در این گزارش است درحالی که این موضوع در گزارش‌های قبلی منعکس می‌شد.

۴) درهم آمیختن مفاهیم «همه مواد هسته‌یی»، «مواد هسته‌یی اعلام شده» و موضوع «تضمین وجود نداشتن مواد هسته‌یی اعلام نشده» به ترتیب در حیطه موافقت‌نامه پادمان جامع و پروتکل الحاقی است که مبتنی بر روشی غیرحرفه‌یی است، همکاری کامل ایران بر طبق تعهدات موافقت‌نامه، پادمان جامع را تخریب می‌کند و موجب گمراهی افکار عمومی شده است.

۵) این واقعیت که مفاد مطالعات ادعایی فاقد اعتبار اصالت بوده و مواد هسته‌یی به‌کار گرفته نشده و قطعاتی ساخته نشده همان‌گونه که این موارد در گزارش مدیرکل قبلی آژانس در مورد مطالعات ادعایی بی‌پایه منعکس شده است، بخش‌های مفقود این گزارش هستند.

۶) این گزارش فاقد هرگونه اشاره‌ای به این واقعیت است که ایالات متحده آمریکا به آژانس اجازه نداد تا مفاد مربوط به مطالعات ادعایی در ارتباط با چیزی که لپ‌تاب آمریکای نامیده می‌شود را به ایران تحویل کند. از آن‌جایی که آژانس بر طبق برنامه (INFCIRC/711) ulg مورد توافق بین جمهوری اسلامی ایران و آژانس مورخ ۲۱ اوت ۲۰۰۷ آژانس موظف بود که این مطالب را به ایران تحویل دهد، بنابراین فعالیت‌های راستی‌آزمایی آژانس به خطر افتاده و اعتبار آن خدشه‌دار شده است. در این‌جا انتقادی را که مدیرکل پیشین در رابطه داشت خاطرنشان می‌کنم.

۷) خاطرنشان می‌شود که فقط شش موضوع باقیمانده در برنامه عمل توافق شده (INFCIRC/711) قرار داشتند که تمامی آن‌ها حل و فصل شده‌اند. هم‌چنین بخش چهارم ـ یک از برنامه کاری می‌گوید: "این مدالیته تمامی موضوعات باقیمانده را می‌پوشاند و آژانس تایید می‌کند که موضوع باقیمانده و ابهام دیگری در مورد برنامه و فعالیت‌های گذشته ایران ندارد." بنابراین نباید موضوع جدیدی مانند ابعاد احتمالی نظامی مطرح شود.

۸) طبق برنامه عمل توافق شده مطالعات ادعایی به‌طور کامل از سوی ایران مورد بررسی قرار گرفته بدین ترتیب این بند از برنامه کاری نیز پایان یافته است. هرگونه درخواست برای دور دیگری از مباحث اساسی یا درخواست آژانس برای ارایه اطلاعات و دسترسی، کاملاً مغایر با روح و مفاد موافقت‌نامه‌ای است که هر دو طرف خود را به آن متعهد می‌دانند. لازم به یادآوری است که برنامه عمل مورد توافق نتیجه مذاکرات فشرده و ثمربخش ایران با سه مسوول رده بالای آژانس شامل بخش‌های پادمان، حقوقی و سیاستگذاری آژانس

بوده‌است. بنابراین شدیداً انتظار می‌رود که آژانس به موافقت‌نامه خودش با اعضاء احترام بگذارد و در غیر این‌صورت اطمینان و اعتماد متقابل که از عناصر اساسی همکاری پایدار است خدشه‌دار می‌شود.

درخواست بخش پادمان درباره اطلاعات بیش‌تر راجع به رآکتور آب سنگین از قبیل منشاء بشکه‌ها و تولید، نمونه‌برداری DA، وزن و مقدار آب سنگین در مغایرت کامل با وظایف پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه پادمان جامع (INFCIRC/214) بوده و حتی فراتر از حیطه پروتکل الحاقی قرار دارد. درخواست چنین اطلاعاتی به بهانه قطعنامه‌های شورای امنیت از حیث فنی و حقوقی غیرموجه بوده و موجد سابقه غیرقانونی خواهد بود. لطفا توجه داشته باشید که آب سنگین تحت شمول پادمان جامع قرار نمی‌گیرد. ناگزیر هستم به همگان در دبیرخانه یادآوری کنم که جمهوری اسلامی ایران رسما اعلام کرده که فعالیت‌های صلح‌آمیز خویش از جمله تولید آب سنگین و تکمیل ساخت رآکتور آب سنگین به‌منظور تولید رادیوایزوتوپ برای کاربردهای پزشکی را که طبق پیمان منع اشاعه حقی مسلم است به‌حال تعلیق در نخواهد آورد. بنابراین درخواست به‌عمل آمده از سوی بخش پادمان مبنی بر این که به بهانه قطعنامه‌های غیرقانونی شورای امنیت لازم است که از کارخانه آب سنگین بازدید کند، تا بررسی کند که آیا ایران فعالیت‌هایش را در آن‌جا متوقف کرده یا نه، مضحک به نظر می‌رسد.

لازم است این واقعیت در صورت‌جلسه ثبت شود که ایران به‌طور داوطلبانه امکان دسترسی بازرسان به رآکتور آب سنگین را در چند نوبت فراهم کرد، اگرچه کد اصلاح شده ۳/۱ را اجرا نمی‌کند. در عین حال هرگاه در درخواست آژانس اشاره‌ای به قطعنامه‌های شورای امنیت وجود داشت، تا ایران را ناگزیر کند که اجازه دسترسی بدهد، پاسخ منفی بود زیرا این کار یک پیشینه خطرناک را برای آینده آژانس ایجاد می‌کند.

پیام واضح سیاسی مبتنی بر اصول قانونی این است که شورای امنیت سازمان ملل متحد حق ندارد به آژانس به عنوان یک سازمان بین‌المللی فنی مستقل دیکته کند که چه کاری را انجام دهد و چگونه کارکردهای اساسنامه‌یی‌اش را به اجرا درآورد.

۹) ایران تا سال ۲۰۰۳ به‌طور داوطلبانه اجرای کد اصلاح شده ۳/۱ را در دست اجرا داشت لکن این کار را متعاقب قطعنامه غیرقانونی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه فعالیت‌های هسته‌یی صلح‌آمیز ایران، متوقف کرد. در عین حال ایران کد۳/۱ اما نه متن اصلاح شده آن را اجرا می‌کند. لازم است یادآوری کنم که تمامی متن کد اصلاح شده صرفا توصیه‌هایی دهه‌ی ۹۰ شورای حکام هستند با این منظور که کشورهای عضو به‌جای اطلاع دادن به آژانس درباره تاسیسات جدید هسته‌یی ۱۸ روز قبل از وارد کردن مواد هسته‌یی طبق وظیفه وفق موافقت‌نامه پادمان جامع، به‌مجرد آغاز ساخت تاسیسات موضوع را به آژانس اطلاع دهند. در دهه ۹۰ و تا سال ۲۰۰۳ بسیاری از کشورها از جمله ایران هنوز آن‌را اجرا نمی‌کردند. قطعا چنین امری به مثابه ناپایبندی به تعهدات ناشی از پیمان منع اشاعه به‌شمار نمی‌آمد و به همین دلیل بخش ادغام شده در موافقت‌نامه پادمان نبوده و قطعا از وضعیت حقوقی یکسانی با آن برخوردار نیست. به‌علاوه می‌بایستی این واقعیت را به یاد داشت که طبق قوانین بین‌المللی حتی اگر کشوری به معاهده‌ای مانند NPT بپیوندد این حق حاکمیتی آن کشور است که از آن معاهده خارج شود. کد اصلاح شده ۳/۱ بین کشورهای عضو و دبیرخانه به مذاکره گذاشته نشده و به امضا نرسیده و علاوه بر آن مستلزم طی فرآیند تصویب از سوی نهادهای قانونگذاری کشورهای عضو نیست؛ بنابراین اظهارات بخش پادمان مبنی بر این که ایران نمی‌تواند به‌طور یک‌جانبه تصمیم به تعلیق اجرای کد اصلاح شده ۳/۱ بگیرد، مطلقا فاقد وجاهت است.

۱۰) اگرچه ایران متعهد است که تاسیسات را ۱۸۰ روز قبل از وارد کردن مواد هسته‌یی به آن، به آژانس اعلام کند، لکن ایران به‌طور داوطلبانه ۱۸ ماه زودتر از ورود مواد هسته‌یی به سایت موضوع را اطلاع داده است. علاوه بر آن ایران پرسش‌نامه اطلاعات طراحی را ارائه، امکان دسترسی نامحدود به تاسیسات را فراهم کرده و جلساتی را برگزار کرده و اطلاعات مشروح را ارائه داده، اجازه نمونه‌برداری مالشی و عکس‌های مرجع را داده است. مواردی که ایران حتی به‌موجب مفاد کد ۳/۱ سال ۱۹۷۶ موظف به انجام آن‌ها نیست. همان‌گونه که توسط مدیرکل گزارش شد، آژانس پنج بار بازدید کرد و تایید کرد که یافته‌هایش با اظهارات ایران هم‌خوانی دارد.

۱۱) مساله محرمانه بودن موضوعی است که موجب نگرانی جدی است. موضوع مذکور یک عنصر اساسی در اجرای موافقت‌نامه پادمان بین کشورهای عضو و آژانس است. آژانس اقدامات مناسبی را برای تضمین این که اطلاعات که ارتباطی مستقیم با امنیت ملی کشورهای عضو دارد نباید مورد چشم‌پوشی قرار گیرد، انجام دهد. ماده ۵ از موافق‌نامه پادمان بین ایران و آژانس (INFCIRC/214) تصریح می‌کند : «آژانس باید هر گونه احتیاطی را انجام دهد که اسرار صنعتی و بازرگانی و سایر اطلاعاتی که از اجرای این موافقت‌نامه به دست می‌آورد را حفظ کند.»

باید به بند ۵۴ از گزارش مدیرکل پیشین (GOV/4/2008) درباره ابعاد احتمالی نظامی اشاره کنم که بیان می‌کند: «به هر حال این باید مورد توجه باشد که آژانس نه استفاده از مواد هسته‌یی در رابطه با مطالعات ادعایی را کشف کرده و نه اطلاعات موثقی را در این رابطه دارد.» بنابراین، جمله اول در بند ۴۰ سند (GOV/10/2010) به وضوح با ارزیابی فوق در تضاد است.

بند E از این گزارش در تناقض کامل با بند ۲۴ از گزارش (GOV/15/2008) مدیرکل پیشین است که بیان می‌کند: «باید توجه شود که آژانس در حال حاضر هیچ گونه اطلاعاتی به غیر از سند اورانیوم فلزی در مورد طراحی عملی یا ساخت اجزاء مواد هسته‌یی یک سلاح هسته‌یی یا سایر اجزای کلیدی معین مانند چاشنی‌ها یا در رابطه با مطالعات مربوط به فیزیک هسته‌یی ندارد. »

یادآوری می‌کنم که بر اساس برنامه کاری موضوع اورانیوم فلزی حل شده و تاییدیه آن نیز از آژانس دریافت شده است که در نتیجه این موضوع دیگر مطرح نیست.

بر اساس برنامه کاری آژانس ملزم بود که همه اسناد را به ایران تحویل و سپس از ایران فقط انتظار می‌رفت که «ارزیابی خود را به آژانس اطلاع دهد» نه بازدید، جلسه، مصاحبه با اشخاص، نمونه‌گیری‌های مالشی در پرداختن به این موضوع مطرح نبود. با وجود موارد فوق و با حسن نیت و روح همکاری ایران فراتر از درک فوق به‌وسیله موافقت با برگزاری مباحثات با آژانس قدم برداشت و اسناد حمایتی را فراهم نموده و ارزیابی خود را از ۱۱۷ صفحه‌ای که ادعاهای دروغ و ساختگی را مطرح کرده بود، ارائه کرد. دولت ایالات متحده آمریکا اسناد اصلی را بنابر اعلام مدیرکل پیشین از آن‌جایی که در حقیقت هیچ گونه اعتباری نداشت تحویل نداده است. باید یادآوری کنم که بر طبق پاراگراف اول از فصل چهارم برنامه کاری بیان می‌کند: «این مدالیتی تمام مسائل باقیمانده را پوشش داده و آژانس تایید می‌کند که مسائل باقیمانده دیگر و ابهامات درباره برنامه و فعالیت‌های هسته‌یی ایران وجود ندارد.» مطرح کردن یک موضوع جدید تحت عنوان «ابعاد احتمال نظامی» با برنامه کاری در تضاد است.

آقای رییس،

پاراگراف ۵ بخش چهارم برنامه عمل می‌گوید: «آژانس و ایران موافقت کردند که پس از اجرای برنامه عمل فوق‌الاشعار و مدالیتی مورد توافق برای حل و فصل موضوعات باقیمانده، اجرای پادمان در ایران به شیوه عادی انجام خواهد شد.»

آقای رییس،

خاطرنشان می‌کنم که پس از شدیدترین راستی‌آزمایی انجام شده در تاریخ آژانس، توام با ۳۰۰ نفر ـ روز بازرسی در ایران هیچ گونه شواهدی دال بر انحراف مواد و فعالیت‌های هسته‌یی به‌سوی مقاصد ممنوعه در ایران وجود ندارد. استمرار چنین مباحث مبتنی بر انگیزه‌های سیاسی و ناپایبندی دبیرخانه به متن مذاکره شده مورد توافق برنامه عمل (INFCIRC/711) اعتماد متقابل بین ایران و دبیرخانه را به‌شدت خدشه‌دار می‌کند و بنابراین این روند می‌بایستی قبل از این که بسیار دیر شود متوقف شود.

آقای رییس، حضار محترم

اجازه دهید چند کلمه‌ای نیز درباره درخواست برای تامین سوخت هسته‌یی رآکتور تحقیقاتی تهران بگویم: رآکتور تحقیقاتی تهران توسط شرکت آمریکایی جنرال اتم تاسیس شد و در سال ۱۹۶۷ راه‌اندازی شد.

این رآکتور از نوع MTR بوده و سوخت اولیه آن تا سطح ۹۳ درصد غنی شده بود. طبق قرارداد منعقده با آمریکا در اواخر دهه ۷۰، قرار بود سوخت‌های بعدی رآکتور در طول عمر کاری آن از سوی آمریکا عرضه شود. از آن جا که وظایف قراردادی ایفا نشد و سوخت تحویل نشد، بنابر این ما ناگزیر شدیم به‌دنبال یافتن عرضه کننده دیگری باشیم. در نهایت در سال ۱۹۸۷ با مساعدت آژانس قراردادی بین جمهوری اسلامی

ایران و آرژانتین برای سوخت با غنای پایین منعقد شد که در سند GOV/2363 مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۸۸ مندرج است. سپس در سال ۱۹۹۴ قلب رآکتور از اورانیوم با غنای بالا به اورانیوم با غنای پایین تبدیل شد که سوخت جدید با غنای پایین (کمتر از ۲۰ درصد) را استفاده می‌کرد.

با توجه به این واقعیت که عمر سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران رو به پایان می‌رود، بر اساس دستورالعمل دولت متبوعم طی نامه شماره ۰۴۷/۲۰۰۹ مورخ ۲ /۶/ ۲۰۰۹ از آژانس در این زمینه درخواست مساعدت کردم.

یک روز قبل از کنفرانس عمومی یک پیشنهاد غیررسمی از طرف فدراسیون روسیه و ایالات متحده توسط مدیرکل پیشین به رییس سازمان انرژی ایران و اینجانب ارائه شد. متعاقب آن فرانسه نیز به آن دو ملحق شد. مطابق با پیشنهاد آن‌ها که به اشتباه به عنوان پیشنهاد آژانس مورد اشاره قرار گرفته، عرضه سوخت تابع یک مدالیتی مبنی بر تحویل ۱۲۰۰ کیلوگرم LEU (ال ای یو) ۳/۵ درصدی تولید شده در ایران به روسیه برای غنی‌سازی بیش‌تر و سپس ساخت سوخت در فرانسه بود.

در مذاکرات ۱۹ تا ۲۱ اکتبر ۲۰۹۰ با حضور نمایندگان عرضه‌کنندگان یاد شده و مدیرکل پیشین، اینجانب به ماده ۳ اساسنامه که به "فراهم کردن مواد، خدمات، تجهیزات و تاسیسات"،مربوط است اشاره کرده و اطلاع دادم دولت من انتظار دارد که با پرداخت نقدی، سوخت دریافت کند همان‌طور که یک رویه معمول است و همان‌طور که ایران مطابق با قرارداد با آرژانتین از طریق IAEA انجام داد. من تاکید کردم که با توجه به کاهش اعتماد ما خواستار تضمین عرضه هستیم. در نهایت ما اعلام کردیم که اگر آژانس قادر به اجرای وظایفش نیست، همان‌طور که انتظار می‌رفت، ایران آماده است یک مدالیتی تبادل مجتمع‌های

سوخت مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی تهران (۱۹/۹۵ درصد) با مواد ال ای یو ۳/۵ درصد تولید شده در نطنز (ایران) را به طور هم‌زمان در قلمرو جمهوری اسلامی ایران اجرا کند. از ۷ فوریه ۲۰۱۰ ما هیچ پاسخی را درباره پیشنهادمان دریافت نکرده‌ایم. بنابراین با در نظر گرفتن الزامات ناشی از نیاز بیش از ۸۵۰ هزار بیمار متبلا به سرطان به رادیوایزوتوپ پزشکی که توسط این رآکتور تولید می‌شود، ما گزینه‌ی دیگری به جز تولید سوخت خودمان به طور بومی نداشتیم. وضعیت موجود ثابت می‌کند که جمهوری اسلامی ایران تصمیم موجهی را برای آغاز فناوری غنی‌سازی اتخاذ کرده است.

آقای رییس،

من در اولین ملاقات رسمی با جناب آقای آمانو، به‌عنوان مدیرکل جدید، در تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۱۰ و متعاقبا در نامه مورخ ۱۸ فوریه ۲۰۱۰ اطلاع دادم که پیشنهاد منطقی و مصالحه‌آمیز ما هنوز روی میز قرار دارد. من درخواست کردم که این تقاضا به تمامی دیگر عرضه‌کنندگان بالقوه نیز منتقل شود.

از توجه شما متشکرم.»